

گفتگوی شاهزاده رضا پهلوی با بنژامین جوف والت

آماده ام تا برای میهن ام بمیرم

پنج شنبه 26 شهریور 1388

وارث تاج و تخت شاه پیشین ایران می گوید که حاضر است برای کشور اش بمیرد و آماده است تا به ایران برگردد و نقشی برجسته در امور ایران ایفا کند: "زمان برگشت من به کشور فرا خواهد رسید، من این را به شما اطمینان می دهم."

شاهزاده رضا پهلوی، فرزند بزرگ محمد رضا شاه پهلوی، در گفتگوی ویژه ای که با «مدیا لاین» و در خانه ایشان در واشینگتن دی سی انجام پذیرفت، گفت:

"من می خواهم در سرزمین ام باشم، من وادار به پذیرفتن یک سناریوی تبعید شدم. من باور دارم هر ایرانی دیگر نیز مانند من، بایستی حق زیستن در کشور خود را داشته باشد تا بتواند به بهترین شکل و با بیشینه ی توان اش در بهبودی وضع کشورمان همیاری کند."

پدر رضا پهلوی، در انقلاب اسلامی 1357 و پس از برکناری، در تبعید درگذشت. برای برخی احتمال اینکه پسر شاه، پس از او به قدرت برسد، بسیار ناچیز و گاه حتا ناممکن می نمود، ولی پس از بحران های اخیری که بدنبال انتخابات پیش آمده است، رستاخیز و تولد دوباره ی پادشاهی امری مورد بحث شمرده می شود.

شاهزاده رضا پهلوی ادامه داد: "من هم اکنون برای به دست آوردن مقام تلاش نمی کنم. کار من یاری رساندن به هم میهنان ام برای رسیدن به آزادی و رهایی از بند این نظام است... و پس از گذشتن از این فاز است که هم میهنان من تصمیم خواهند گرفت که آیا خواهان این هستند که من به ایفای نقشی برجسته در صحنه سیاسی بپردازم یا نه!"

در روزهای آخر هفته، خبر داده شد که مجلس خبرگان آغاز به ردیابی و دستگیری تعدادی از تظاهر کنندگان با استفاده از عکس هایی که به صورت گسترده در رسانه ها نشان داده شده کرده است و همچنین سازمان عفو بین الملل نیز «بسیج» را متهم به وارد شدن به بیمارستان ها و دستگیری کوشندگانی که در راهپیمایی ها زخمی شده اند کرده است.

این خبر ها چند روز بعد از این برون آمدند که خامنه ای گفته بود رهبران راهپیمایی های خیاباتی می توانند با اعدام روبرو شوند. با توجه به نا آرامی های اخیر، شاهزاده ی 48 ساله افزود که برگشت اش به ایران وابسته ای از تاکتیک ها است، نه امری که به حفظ جان اش بستگی داشته باشد!

او همچنین دامه داد: "من همیشه گفته ام که حاضر به مردن و فدا کردن جان ام برای میهن ام هستم، ولی امروز بایستی شرایط موجود آماده شود."

طرفداران شاهزاده رضا پهلوی خواستار یک نظام پارلمانی دموکراتیک هستند که در آن پادشاه، نقش همبسته ساختن تیره های گوناگون ایرانی را بر دوش بگیرد. رضا پهلوی در ادامه می گوید: "ایران توانایی داشتن یک نظام پارلمانی مردم سالار را دارد، نظامی غیر دینی که در آن دین و سیاست به روشنی از هم جدا شده باشند."

او ادامه می دهد:

"زمان مهمی برای ایران فرا رسیده است. چیزی که شما امروز می ببینید، انفجار 30 سال سرخوردگی است. انفجار 30 سال سرخوردگی که هر روز نیز بیشتر و بیشتر می شد. چنین رژیم، هر اندازه هم که سرکوبگر باشد، نمی تواند همه را در همه جا و همزمان سرکوب کند، و برای همین است که مقاومت به شکل گسترده ای ادامه دارد."

شاهزاده رضا پهلوی گفت که آرامش نسبی در چند روز اخیر به هیچ روی دلیل بر این نیست که ایرانیان شرایط موجود را پذیرفته اند. میزان بالای سرکوب باعث شده است تا عقب نشینی کوتاه مدتی انجام گیرد و این نیز تنها برای نگهداری و پاسداری از جان مردم است. در همین راستا او تاکید کرد: "گوهر خواست های مردم فرونمرده، بلکه همچنان زنده است"

ولیعهد پیشین ایران یاد آوری کرد که نشانه های پر شماری دال بر این امر در دست هست که رژیم دارد آرام آرام از درون خود اش فرومی پاچد. او همچنین افزود:

"من با شماری از فرماندهان نیروهای امنیتی و سپاه پاسداران گفتگو کرده ام، کسانی که از هر گونه توهم و خیال پردازی رها شده اند و امروز می گویند که دیگر پشتیبانی از این رژیم، رژیمی که هم میهنان مان را به این وضع می کشد، ناممکن است."

شاهزاده رضا پهلوی گفت: "برخی از این افراد، در زمان انقلاب هم سن و سال من بودند. آنها جان خود را برای پاسداری از مردم خود فدا کردند. آیا می شود که امروز اسلحه های خود را به سوی فرزندان مردمی که از آن دفاع می کردند، بر گردانند؟!"

او افزود: "من فکر نمی کنم بدینگونه باشد! و به همین دلیل است که می گویم، ما پیروز خواهیم شد، تنها پرسش در این میان، زمان و بهایی است که بایستی پرداخته شود!"

شاهزاده رضا پهلوی که پدر اش از همپیمانان نزدیک دولت آمریکا بود، رویکرد دولت اوباما به ایران را با دیدی نقادانه نگاه می کند

"من، در حالی که از یکسو رویکرد قوی آقای اوباما را در پشتیبانی از حقوق بشر در ایران تحسین می کنم، اما از سوی دیگر از دید من سیاست همکاری با ایران سیاستی ست با یک بغرنجی بزرگ.

من بر این باورم که بایستی این همکاری ها تا زمانی که در آنجا یک دولت با ثبات و دارای پشتیبانی مردمی بر سر کار بیاید، به حالت تعلیق درآیند. اگر شما به همکاری خود ادامه دهید، این امر نه تنها یک سیلی به صورت مردم ایران خواهد بود، آن هم مردمی که خواستار دموکراسی هستند، بلکه این سیاست حتا بخت پیروزی نیز ندارد»

ولیعهد پیشین ایران می گوید که دولتهای غربی بایستی یک نزدیکی دو گانه را در برابر ایران در پیش گیرند:

"در زمینه ی ارتباطات با جهان خارج، یک نوع کنترل تک قطبی و انحصاری بدست رژیم و سردمداران اش افتاده است، من همیشه پیشنهاد داده ام کسانی که می خواهند با رژیم ایران گفتگو کنند، بایستی با نیروهای مخالف و دموکراتیک رژیم نیز به گفتگو پردازند."

او پرسید: "به نگر شما، چرا بیشتر شعارهایی که در خیابانهای ایران نوشته می شوند به انگلیسی است؟ آیا به راستی آنها می خواهند با یکدیگر به یک زبان خارجی گفتگو کنند؟ مسلم است که نه. پس آن ها این را نشانه ای می شمارند که باید بطور قابل توجهی نظر جهان آزاد را به خود جلب کند. آن ها می گویند: آنچه که در ایران می گذرد صرفاً یک بحث داخلی نیست، بلکه ما از جهان آزاد می خواهیم که همبستگی خود را با ما نشان داده و با ما پیوند برقرار کند؛ من فقدان چنین پیوندی را همیشه اندکی ناخوشایند تا ناشیانه یافته ام.